

مردی که می شناسم

هستی جعفری



با مقدمه دکتر علی باباییزاد

www.ketab.ir

مردی که نمی‌شناسم.

هستی جعفری، ۱۳۶۶.

ویراستار آزاده سجادی‌نسب.

تهران: آویسا، ۱۳۹۸.

۹۶ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۷۳۰۸-۱۳-۴

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

داستان‌های فارسی - قرن ۱۴.

Persian fiction - 20th century

PIR۸۳۳۹ / ع۷۱۶۳۵م۴ ۱۳۹۸

۸۴۳/۶۲

۵۱۳۰۹۵۹



مردی که نمی‌شناسم

ویراستار: هستی جعفری

ناشر: آویسا

ویراستار و مترجم: آزاده سجادی‌نسب

طرح جلد: ذوالقرنین اسماعیل (Zolkarnain Ismael)

جلدآرایی: نینا میرزایی

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۰۸-۱۳-۴

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

دفتر انتشارات: تهران، شهرک گلستان، خیابان مولوی، مجتمع قائم، واحد ۵۲. تلفن: ۴۴۷۶۰۶۲۰
مراکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، رویروی دانشگاه تهران، ش ۱۳۴۶، نشر گوتنبرگ. تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۵۷۹
مشهد، احمدآباد، بین ۷ و ۹، مقابل محتشمی، نشر جاودان خرد. تلفن: ۰۵۱۱-۸۴۴۴۵۲۷

www.avissapub.ir

سخنی با خواننده

ما انسان‌ها همیشه در پی شناخت دیگری هستیم غافل از اینکه خودی گمشده در درون داریم که نیاز به دیده شدن و شناخته شدن دارد. شناخت خود به شناخت دیگری هم ختم می‌شود و دیگری شاید کسی نباشد جز خودمان که نرافکنی شده‌ایم در نگاه او. هر آدمی بخشی از ما را درون خودش دارد و ما با بخشی از خودمان در ارتباطیم که کمتر می‌شناسیمش. و هر چه که ناشناخته باشد برای آدمی جذاب‌تر است. چاکوبرانگی‌تر و البته خطرناک‌تر. اما نکته قابل تأمل ماجرا این است که ما مدام در پی کنجکاری و کشف ناشناخته‌هاییم و وقتی نمی‌گذاریم برای مرور آنچه که هستیم و زندگی کنیم هر آنچه را که آرزوش را داریم و فقط به دیدن آن در دیگری بسنده می‌کنیم. ما خودمان همبازی‌ها و شخصیت‌ها / قصه زندگی‌مان را انتخاب می‌کنیم و خود سرنوشت را رقم می‌زنیم با پیش‌نویس‌هایی که از ابتدای زندگی در ذهنمان شکل گرفته است. نه آدمم، نه گنجشک / اتفاقی کوچکم / هر دارم ختم / دو تکه می‌شوم / نیمی را باد می‌برد / نیمی را مردی که نمی‌شناسم. (گراناز موسوی)

مجموعه داستان پیش رو نتیجه زیستن در میان آدم‌هایی است که نمی‌شناسند و همین تنهایی در میان کسانی که نمی‌شناسی شان باعث می‌شود به خودت رجوع کنی و از دل جامعه داستان‌هایی را بیرون آوری که هر کدام گوشه‌ای از یک زندگی است که قصه‌ای می‌شود برای شنیدن و خواندن و شاید تصدیق در روح و روان.

به گونه‌ای دیگر دیدن، نماندن در سطح و مشاهده روان آدم‌ها با بررسی رفتارشان و به قلم درآوردن این مشاهده و تبدیل به هنری که ما را به درک دنیای ناشناخته‌ها و همذات‌پنداری با همگان می‌برد را مرهون آموزگار و مشوقم دکتر علی بابایی‌زاد هستیم. کسی که به من یاد داد پرواز کنم حتی با بال‌های زخمی.